

شکایت ایران به آمریکا درباره قتل جوان ایرانی

● ایسنا: بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه گفت: این وزارتخانه مراتب اعتراض رسمی جمهوری اسلامی ایران درخصوص قتل «بیژن قیصر»، جوان ۲۵ساله ایرانی در آمریکا را به دولت آن کشور ابلاغ کرد. او افزود: این اقدام در دیدار مدیرکل آمریکای وزارت امور خارجه با سفیر سوئیس در تهران، به عنوان حافظ منافع آمریکا در ایران و با تسلیم یک یادداشت رسمی به دولت آمریکا انجام شد که در این یادداشت رسمی با اشاره به اقدام خشونت‌آمیز و غیرقابل‌قبول پلیس آمریکا در تیراندازی به بیژن قیصر، شهروند غیرمسلم ایرانی بود، خواستار توضیح رسمی دولت آمریکا و روشن‌شدن ابعاد این حادثه تا‌سف‌بار و غیرقانونی شده و از آن دولت خواسته شده است عوامل این اقدام را مورد پیگیری قضائی قرار داده و خسارات وارده را جبران کنند. سخنگوی وزارت امور خارجه همچنین اضافه کرد: سفیر سوئیس نیز در این دیدار ضمن اعلام اینکه موضوع را بلافاصله به مقامات مسئول به دولت آمریکا منتقل خواهد کرد، گفت که نتیجه را به اطلاع وزارت امور خارجه کشورمان خواهد رساند.

مطهری: دانشگاه باید به‌موقع آژیر خطر را بکشد

وزیر علوم چند درصد از اختیارات حوزه آموزش عالی را در دست دارد؟ آقای توفیقی که یکی از صاحب‌نظران در این حوزه است، می‌گوید تنها ۳۰ درصد از اختیارات در دست وزیر علوم است.صادقی گفت: کسانی که در انتخابات بازی را ۳۰ بر صفر باختند، دنیال یاس‌افکنی هستند و می‌خواهند انتقام بگیرند و متأسفانه برخی از ما نیز در زمین آنها بازی می‌کنیم. امروز از این‌جلس همان سطح انتظارانی را که از مجلس ششم و دولت اصلاحات داشتیم، نباید داشته باشیم. اشکال فرافکسیون امید این است که این فراکسیون پشتوانه حزبی ندارد.

امیدواریم محدودیت‌ها حذف شوند تا گفت‌وگوی ملی را آغاز کنیم

عبدالله رمضان‌زاده، سخنران بعدی مراسم انجمن اسلامی پیشرو دانشگاه تربیت مدرس بود. او با طرح این پرسش که راه مبارزه با فساد و ناکارآمدی نجاست و دانشجو باید چه حرکتی داشته باشد، گفت: مبارزه با فساد و ناکارآمدی تنها در چارچوب آگاهی، عدالت‌طلبی و آزادی معنا پیدا می‌کند؛ یعنی ما وقتی می‌توانیم با فساد و ناکارآمدی مبارزه کنیم که بتوانیم از آن حرف بزنیم. کسانی مانع حرف‌زدن در مقابله با فساد می‌شوند که خود فاسد باشند. بنابراین اگر پیشتازی امروز بخواهد معنا پیدا کند، در مقابله با فساد و ناکارآمدی است و این‌ کار تنها در سایه حرکت جمعی امکان‌پذیر خواهد بود.به گزارش جماران، رمضان‌زاده ادامه داد: حرکت جمعی هم تنها در شرایطی امکان‌پذیر است که اعتماد اجتماعی وجود داشته باشد. نقطه‌ای که جامعه ما از نبودش در رنج است. سنجشی در سال ۸۲ و ۹۲ انجام شده که نشان می‌دهد اعتماد اجتماعی در جامعه ما کاهش یافته است. در این‌بی‌اعتمادی هر اتفاقی ممکن است رخ دهد. فساد و ناکارآمدی هم از مواردی هستند که از بی‌اعتمادی نشأت می‌گیرند، اما هر حرکت اعتمادساز باید چگونه شکل بگیرد؟ او همچنین با تأکید بر ازدست‌رفتن سرمایه‌های اجتماعی در جامعه‌گفت: این مسئله آن چیزی است که جامعه‌شناسان تحت عنوان سرمایه اجتماعی به آن تأکید می‌کنند. ما ناچاریم برای پیشتازی به حلقه‌های اعتمادساز-ملی روی بیاوریم و تنها در صورت تشکیل شبکه‌هایی از حلقه اعتمادسازی است که می‌توان به تغییر امید داشت و این کار در سایه همدلی پیش می‌آید؛ امری که گم‌شده ملت ماست. رمضان‌زاده افزود:

برای اینکه حلقه‌های اعتمادسازی ملی شکل بگیرد، ما مجبوریم ندهای اعتمادساز ملی را هم تقویت کنیم. شما دیدید در انتخابات اخیر با اعتماد به یک فرد و جریانی که از او حمایت می‌کند، توانستیم منشأ تغییر شویم. بنابراین نکوید که کاری نکرده‌ایم. درست است که کاری کارستان نیست، اما کار کارستان در یک شب و دو شب اتفاق نمی‌افتد. ما به تجربه می‌گوییم که انقلاب یک بار اتفاق می‌افتد. بعد از انقلاب باید به سراغ اصلاحات تدریجی رفت.او افزود: راه احیای جامعه، دانشگاه، سیاست و فساد ایجاد حلقه‌های اعتمادساز ملی است و این حلقه‌ها در شکل‌های کوچک و بزرگ معنا پیدا می‌کنند. در قالب اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنفی است که این حلقه‌ها شکل می‌گیرند. ما می‌توانیم با «ما»شن کاری انجام دهیم. با «من»‌ها کاری را پیش نمی‌رود.سخنگوی دولت اصلاحات در خاتمه گفت: امیدواریم سال آینده همه محدودیت‌ها، رفع شوند تا توانیم گفت‌وگوی ملی را آغاز کنیم. کشور مشکلات بسیاری دارد و جز با اتحاد این مشکل حل نمی‌شود.

politics@sharghdaily.ir

دیپلماسی

بررسی تحولات یمن در گفت‌وگو با قاسم محبعلی

باید احتیاط کنیم

لیلا ابراهیمیان



Reuters

با اینکه شکاف‌های قبلی تشدید شد، البته ناگفته نماند که عبدالله صالح هم به دنبال فرصتی بود تا این اتحاد را از بین ببرد و اختلاف اخیر آنها با حوثی‌ها و انصارالله نشان از همین تزلزل بود.
✎ چرا عبدالله صالح قبل از اینکه به هدف خود برسد، می‌خواستست ائتلاف خود با حوثی‌ها را به هم برزند؟

عبدالله صالح فردی بود که به دو طرف قوا و توان آنها توجه داشت. او می‌خواست با هر گروهی که قدرت بیشتری در اختیار دارد، اتحاد داشته باشد تا خود با پسرش را به عرصه قدرت بازگرداند. برای همین هم‌زمان به فکر ائتلاف با عربستان بود. از سویی دست در دست حوثی‌ها داشت و از یک طرف به ایران هم پیام پادرمیانی می‌داد که روز گذشته در «الجزیره» منتشر شد؛ یعنی سپهر سیاسی یمن فضای متضاد و متناقضی است که به دلیل حضورنافتن خبرنگاران اطلاعات درستی از آنجا به گوش نمی‌رسد. حالا یمن به وضعیت جدیدی دچار شد.

✎ این وضعیت چه مشخصه‌ای دارد؟

با فروپزختن اتحاد میان زیدی‌ها، اتحاد بین حوثی‌ها و طرفداران عبدالله صالح، ممکن است که برخی از قبایل زیدی از حوثی‌ها جدا شده و به قبایل سنی با محوریت عربستان بپیوندند. این دقیقاً همان شکاف جدیدی است که در یمن ظهور و بروز دارد و در نهایت به سود عربستان سعودی است.

برای همین برخی معتقدند

که حوثی‌ها در کشتن صالح

اشتباه استراتژیک را مرتکب

شده‌اند.

✎ آیا نشانه‌هایی برای اتحاد طرفداران صالح با سنی‌های یمن دیده می‌شود؟

اخبار یمن به دلیل نبود رسانه‌های خبری مستقل در آنجا و به دلیل فضای امنیتی در یمن، خیلی ضدونقیض به گوش می‌رسد و تحلیل را دشوار می‌کند. البته آنجا که مشخص است، این است که

شرایط حوثی‌ها در یمن بهبود یافته و توانسته‌اند به فرودگاه ریاض و ابوظبی موشک پرتاب کنند؛ اما هیچ‌کدام از این رفتارها در نهایت به نفع حوثی‌ها نیست و آنها را به صحنه بین‌المللی منزوی خواهد کرد. البته بعد از کشته‌شدن صالح باید منتظر عکس‌العمل رهبران کشورهای عربی ماند؛ اما آنچه مشخص است، این است که حوثی‌ها در پرتاب موشک هم خطا کرده‌اند. آنها در ابوظبی منطقه هسته‌ای را نشانه گرفته‌اند و این منطقه در قواعد بین‌المللی جزء مناطق محافظت‌شده است. برای اینکه این شلیک‌ها آثار زیست‌محیطی دارد؛ هیچ کشوری نمی‌تواند این اقدام آنها را تأیید کند.

این اقدام حوثی‌ها در سازمان‌های بین‌المللی و در

میان کشورها به ماجراجویی تعبیر شده است.

✎ ایران در مواجهه با حوادث یمن چه راهبردی را باید در پیش بگیرد؟

واقعیتی سیاسی یمن بسیار پیچیده است؛ باید در مداخله حوادث یمن جانب احتیاط را نگه داشت. یمن کشوری فرسوده و فقیر است که به سمت وقوع فاجعه انسانی پیش می‌رود. از سوی دیگر حوثی‌ها قادر نیستند در صحنه سیاسی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی جایگاهی مناسب داشته باشند. این همان ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی بحران است. حوثی‌ها جایگاهی در بین کشورهای متعدد جهانی ندارند و این وضعیت را برای کشورهای همسو با یمن دشوار می‌کند.

✎ آیا ممکن است این موقعیت جدید در یمن، به برتری حوثی‌ها بینجامد؟

حوثی‌ها امکان پیروزی قطعی را در یمن ندارند.

✎ با وجود اینکه از پیروزی نسبی حوثی‌ها می‌گویند چرا معتقدید آنها موفق نخواهند بود؟

یکی از پیروزی‌های حوثی‌ها پرتاب موشک به ریاض بود و دیگری پرتاب موشک به ابوظبی؛ جدا از اینکه این یک پیروزی است یا نه، یک نکته مشخص است و آن اینکه همین عمل در جامعه بین‌المللی به ماجراجویی تعبیر شده است. جنگ در یمن فرسایشی است و تمام نمی‌شود؛ از سوی دیگر حوثی‌ها هم به این زودی‌ها از بین نمی‌روند. دولت مرکزی سابق هم موفق نشده بعد از شش

بار جنگ با حوثی‌ها، آنها را

از بین ببرد. آنها ۳۵ درصد

خاک یمن را در اختیار دارند

و ممکن است بخشی از این

خاک را از دست بدهند. ولی

حوثی‌ها نمی‌توانند یمن را

به‌خوب مدیریت کنند. به غیر از

شکاف قبیله‌ای-مذهبی یمن

توان درافتادن با عربستان را

ندارد. علی عبدالله صالح

از پنج روز پیش هم‌بمبارنی

خود را با حوثی‌ها به هم

زد و در صحنه بین‌نیروهای

وفادار به او و حوثی‌های

جنگ در گرفت. صالح می‌گفت

اگر ائتلاف به رهبری عربستان سعودی حمله به

اهداف غیر نظامی را متوقف کند، او آمادگی دارد

صفحه‌ای جدید را در روابط خود با عربستان

بگشاید. اما نیروهای حوثی پس از چهار روز جنگ

شهری در صحنه موفق شده‌اند نیروهای وفادار به

صالح را از بخش‌های زیادی از شهر به عقب برانند

و به اقامتگاه او نزدیک شوند. از سوی دیگر عبدربه

منصور هادی، رئیس‌جمهور دولت یمن که مورد

حمایت عربستان است، به نیروهای وفادار به خود

در مارب دستور داده به سوی صحنه حرکت کنند. در

واقع این‌طور است که دهه‌ها طرفداران علی عبدالله

و سنی‌ها نمی‌توانند دور هم جمع شوند و در میان

زیدی‌ها هم اختلافی شدید افتاده است. عربستان

و نهادهای بین‌المللی هم مشروعیت سیاسی یمن را به رسمیت نمی‌شناسند. اگر کشوری بخواهد از حوثی‌ها حمایت کند نه در عرصه کشورهای اسلامی و نه در منطقه و نه در بین کشورهای اروپایی متحد نخواهد داشت. در نهایت این پرونده به سازمان ملل منتقل می‌شود.

به جرئت می‌گویم اگر پیروزی حوثی‌ها در یمن بعید نباشد، دشوار و پرهزینه خواهد بود. توجه کنید که درآمد سرانه یمن هزار دلار و درآمد سرانه عربستان سعودی ۴۰ هزار دلار است؛ اقتصاد عربستان سالانه ۷۰۰ میلیارد دلار و اقتصاد یمن قبل از جنگ حدود ۲۰ میلیارد دلار است. البته اینکه موقعیت جغرافیایی یمن و روحیه این مردم در سرنوشت کشورشان تأثیرگذار است امر دیگری است؛ اما تصور پیروزی حوثی‌ها بعید است.

✎ آیا یمن می‌تواند به این شکاف‌های درونی خود پایان دهد؟

من فکر نمی‌کنم. البته آنچه مشخص است این است که در نتیجه این شکاف جدید ممکن است ائتلاف جدیدی شکل بگیرد. ائتلافی که به نفع عربستان و در همسویی با عربستان خواهد بود.

✎ آیا درگیری‌ها از سمت سوریه به یمن سرازیر خواهد شد؟

باید از ورود به مسئله حول یمن احتیاط شود.

✎ آیا توافق هسته‌ید که بعد از پایان جنگ در سوریه و عراق و آغاز دوره بازسازی آنها، به نظر می‌رسد که جبهه جدیدی برای درگیری ایجاد شده است؟

اول اینکه مسائل عراق و سوریه پایان نیافته است. شاید داعش سرزمین خود را از دست داده باشد اما پایگاه فکری و اجتماعی خود را از دست نداده و همچنان در حال تلاش هستند. سوریه سرنوشت مهمی دارد. ۵۰ درصد سوریه دست دولت مرکزی و بقیه دست نیروهای مخالف دولت از طیف‌های متعدد با اتحاد عربستان، آمریکا

و گروه‌های دیگر است. هنوز معلوم نیست که نشست‌های آستانه در سرنوشت سوریه تعیین‌کننده است یا نشست‌های ژنو. اما مسئله این‌ها در منطقه وضعیت سوریه، عراق یا یمن نیست. ایران مسائل مخصوص به خود را دارد.

✎ این مسئله کدام است؟

ایران باید بتواند در دوره جدید خاورمیانه چشم‌انداز دیگری از نوع روابط خود با این کشورها تعریف و تبیین کند. ایران باید بتواند مناسبات خود را با آمریکا، عربستان و دیگر کشورهای منطقه صورت‌بندی منسجم کند. ما هنوز نتوانسته‌ایم با خیلی از کشورهای منطقه مناسبات پایداری داشته باشیم. مثلاً بعد از پایان جنگ و حتی در دوره جدید قرارداد صلح پایداری را به عراق نداریم و هیچ قرارداد حقوقی ثبت‌شده برای مرزهای دریایی خود با این کشور وجود ندارد. اگر نخست‌وزیر عراق تغییر کند و سیاست دیگری در پیش بگیرد، شرایط کاملاً متفاوت خواهد شد.از سوی دیگر منطقه درگیر شکاف‌های دیگری است. شکاف عربی-کردی یکی از این شکاف‌ها بود. در این دوره رابطه ایران و کردستان عراق دگرگون شده است. ما باید بتوانیم در پنج سطح، مناسبات خود را در منطقه صورت‌بندی کنیم؛ سطح جهانی (آمریکا)، منطقه‌ای (کشورهای عربی)، بین‌المللی (اروپا و روسیه)، داخلی و در سطح خرد با شکاف قومیتی و مذهبی. مسئله حوثی‌ها کردها و انصارالله جزء مسائل درخ است.

✎ خاورمیانه به چه سمت و سویی می‌رود؟

مسئله یمن باعث تشدید بحران در منطقه و در خاورمیانه می‌شود. جنگ در یمن ممکن است تا سال‌ها ادامه داشته باشد. یمن در دست سه گروه حوثی‌ها، طرفداران صالح و سنی‌هاست و مدیریت این بحران سال‌ها به طول خواهد انجامید. آنچه مشخص است وضعیت بحرانی مردم منطقه است که هر روز بحرانی‌تر می‌شود.

طبیعی تمام‌عیار

او در آغاز به کار حرفه پزشکی، مدت کمی در بیمارستان رحیم‌زاده اصفهان کار کرد، اما پس از آن هیچ‌گاه در بیمارستان خصوصی کار نکرد. وقتی علت را از او پرسیدند گفته بود: دلم نمی‌خواهد حس قناعت در وجودم تحت‌الشعاع پول قرار بگیرد. دکتر محمدعلی ابوترابی در جریان زندگی موفق خود، مانند بسیاری از فرهیختگان دیار خویش با مسائل اجتماعی و سیاسی دمساز بود و به عنوان یک کششگر سیاسی، هم‌پای شخصیت‌های مبارز و انقلابی نجف‌آباد فعالیت می‌کرد. به‌خصوص در دوره‌ای که مبارزه با رژیم سلطنتی فراگیر شده بود، از هیچ کوششی برای آگاه‌کردن جوانان و نیز در حرفه پزشکی از درمان‌کردن انقلابیونی که در درگیری با مأموران دربار پهلوی مجروح می‌شدند، فروگذار نمی‌کرد. به همین دلیل هنگامی که در اوج مبارزات مردم یعنی فراد عاشورای سال ۵۷ اوچ ماندها و چماق‌داران شاه به فرماندهی تیمسار رضا ناجی، فرمانده نظامی استان اصفهان، به نجف‌آباد یورش آوردند و وحشیانه به تاخت‌وتاز و کشتار و غارت و چپاول پرداختند، منزل مسکونی و مطب دکتر ابوترابی، از جمله محل‌هایی بود که به تلافی حضور او در میدان مبارزه، مورد حمله قرار گرفت و به آتش کشیده شد و افراد داخل آن را ازجمله میهمانان خادادگی او مورد ضرب‌وشتم شدید قرار گرفتند و این در حالی بود که خود دکتر در بیمارستان مشغول مداوای مجروحان آن حملات وحشانه بود

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی، دکتر محمدعلی ابوترابی فصل جدیدی را در زندگی خود رقم زد. او در همان روزهای اول جنگ برای درمان مجروحان میدان‌های دفاع مقدس، همراه رزمندگان داوطلب، عازم مناطق عملیاتی شد. او از آغاز تا پایان جنگ به عنوان پزشک جراح در تیم‌های اضطراری پزشکی در درمانگاه‌ها و بیمارستان‌های صحرایی حضور می‌یافت و به درمان اولیه و جراحی‌های فوری و ضروری رزمندگان مجروح می‌پرداخت.

از رویدادهای مهم و آموزنده زندگی دکتر ابوترابی این بود که در برخورد با شهادت تنها فرزند پسر خود، صوری و مقاومت تحسین‌برانگیزی داشت. رزمندگانی شاهد بوده‌اند که وقتی جبهه مشغول فروزنش را به او دادند، خود در جبهه مشغول درمان مجروحان بود. تک‌پسر دکتر ابوترابی، مجید ابوترابی دانش‌آموز یکی از دبیرستان‌های نجف‌آباد بود که در ۸۰سالگی و در عملیات رمضان بر اثر اصابت ترکش به سرش که سر را از بدن جدا کرده بود، به شهادت رسید. نوشته‌اند، وقتی خبر شهادت مجید به گوش رزمندگان رسید، پدرش را نزدیک خط مقدم به معراج شهدا و کانترین‌هایی که بدن شهدا داخل آن بود، بردند. چند دقیقه بین شهدا گذشتند تا اینکه یک جنازه را روی خاک روبه‌روی دکتر قرار دادند و گفتند این پیکر آقا مجید شمامت، جنازه سر نداشت. رگ‌های گلوش پیدا بود. دکتر دوازده‌سوی زمین نشست و به‌جانب مجید مجید که خونی بود خیره شد. روی تک به کارچه سیاه کوچک نوشته شده بود مجید ابوترابی. دکتر خم شد و رگ‌های گلوی پسرش را بوسید و کنار پیکرش سجده شکر به جا آورد. دکتر در جبهه ماند که سایر بیماران را معالجه کند. دیگران پیکر پاک دلبدنش را به نجف‌آباد آوردند تا مراسم خاکسپاری آن شهید را دوستان، هم‌کلاسی‌ها و مردم شهیدپرور زادگاهش انجام دهند.

دکتر محمدعلی ابوترابی، باوجود سوابق مبارزاتی، توانایی‌ها و شایستگی‌هایش هیچ‌گاه در پی پست و مقام نرفت. تک بار که به‌دلیل گرایش‌هایی که به اصولگراییان پیدا کرده بود، تحت فشار زیاد ه‌واداران آن جناح که می‌خواستند از محبوبیت و فرازمندی شخصیت دکتر در شهر و روستا استفاده کنند، او را نامزد نمایندگی مجلس شورای اسلامی کردند. من در آن موقع حیفم آمد که این پزشک ارجمند وارد مسائل سیاسی محلی بشود. این به‌جای فکس آرای است. به پرتلاطم انتخابات مجلس، به‌ویژه در شهری که خارج از انتخابات هم می‌تواند افرادی را به چالش بکشدن و آنها را در شرایط سختی قرار دهند، به‌همین دلیل خدمت

دکتر رسیدم و از او درخواست کردم در نجف‌آباد و اطراف آن که شما را طبیعی خوش‌نام و رزمنده‌ای ازخان‌گذشته می‌دانند، خودتان را به رای مردم نگذارید، حیف است که در کشاکش سیاست از رقیبتان بایزماند. ایشان قدری با من صحبت کرد که نشان می‌داد به وظیفه و تکلیف فکر می‌کند نه به پیروزی بر رقیب خود. بالاخره به توصیه‌های دوستان و نزدیکان سیاسی‌اش در فضای رقابت ماند، اما موفق به فکس آرای است. به‌جای وجود این نتیجه رویداد انتخابات، در کاستن از محبوبیت او تأثیری نداشت و مدتی بعد از آنکه اکثریت مردم، ضرورت حضور او را به‌عنوان یک پزشک عزیمند مردمی در نجف‌آباد، مناسب‌تر از نمایندگی مجلس تشخیص داده بودند، سعی کردند نامزدی او برای مجلس و نتیجه‌اش را فراموش کنند و همچنان به او وفادار باشند و احترام بگذارند.

دکتر ابوترابی زندگی شرفرماننده خود را ادامه داد تا به مرور بیماری سختی سراغش آمد و او را از پای درآورد. رحمت‌الله علیه. حضور جمعیت انبوه به مراسم بدرقه و خاکسپاری این پزشک تمام‌عیار، نشان داد که مردم نجف‌آباد تا چه اندازه قدرشناس خدمتگزاران ملک و ملت هستند.